

مشروعیت استفاده از لذایذ مادی

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرُمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ * وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَآتُوا اللَّهَ الَّذِي آتَيْتُمْ بِهِ مُمْتِنًا».

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا بر شما حلال کرده، حرام نکنید و از حد نگذرید بی‌تردید خداوند کسانی را که از حد بگذرند، دوست ندارد. و از آنچه خدا شما را حلال و پاکیزه روزی داده، بخورید و از خداوندی که شما به آن ایمان دارید، پروا کنید.» (سوره مائده، آیات ۸۷ - ۸۸)

در زمان پیامبر اسلام بعضی از اصحاب آن حضرت برای آنکه بیشتر به خودسازی و تقوا و معنویات پردازند، گاهی چیزهای حلالی مانند خوردن غذاهای لذیذ یا خوابیدن یا معاشرت با زنان را بر خود حرام می‌کردند تا با فراغت بیشتری به عبادت خداوند مشغول شوند. مطابق بعضی از روایات، روزی پیامبر اسلام مردم را به انجام عبادات و اعمال نیکو و دوری از دنیا و لذایذ آن فرا خواند. پس از این موعظه، چند تن از اصحاب سوگند خوردند که برخی از لذایذ دنیا را به کلی ترک کنند با این باور که اگر چنین کنند، به موعظه پیامبر عمل کرده‌اند در حالی که نظر پیامبر این نبود، بلکه او می‌خواست مردم دنیاپرست نباشند و در بهره‌گیری از لذایذ دنیا زیاده‌روی نکنند و گرنه

در اسلام استفاده از لذتهای مشروع نه تنها منع نشده، بلکه به آن دستور هم داده شده است.

این آیات در مقام راهنمایی آن گروه از اصحاب رسول خدا که لذائذ را بر خود حرام کرده بودند، نازل شد و منطبق اسلام را در این زمینه بیان کرد. این آیات خطاب به مؤمنان اظهار می دارد که چیزهای پاکیزه ای را که خداوند بر شما حلال کرده، بر خود حرام نکنید و از حدّ نگذرید. یعنی از پیش خود چیزی را بر دین خدا نیفزایید که این؛ خود تجاوز از حدّ است و همانگونه که افراط درست نیست، تفریط هم درست نیست و هر دو طرف نوعی تجاوز از حدود خداست:

خداوند هر چیز پاکي را که مطابق با ميل و طبع سالم بشری است حلال کرده و استفاده از آن را مجاز و مشروع دانسته و در مقابل، چیزهای ناپاک و آلوده و خبیث را که از جهتی به بشر زیان می رساند، حرام کرده است

«... تلك حدود الله فلا تعتدوها و من يتعدّ حدود الله فاولئك هم الظالمون». بقره/ ۲۲۹
 «... این حدود خداست، از آن تجاوز نکنید و هر کس از حدود خدا تجاوز کند، پس آنان همان ستمگرانند.»

خداوند هر چیز پاکي را که مطابق با ميل و طبع سالم بشری است حلال کرده و استفاده از آن را مجاز و مشروع دانسته و در مقابل، چیزهای ناپاک و آلوده و خبیث را که از جهتی به بشر زیان می رساند، حرام کرده است و لذا در آیه ای که در زیر می خوانیم یکی از رسالت های پیامبر اسلام را همین موضوع قرار داده است:

«... و يُجِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحْزِمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَ يَضَعُ عَنْهُمْ أَصْرَهُمْ وَ

الْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» اعراف/ ۱۵۷

«... و او (پیامبر اسلام) برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را

حرام می کرد و بارگران آنها را بر زمین می گذاشت و زنجیرهایی را که بر آنان بود، باز

می‌کرد.»

بنابراین، در اسلام «طبیبات»، حلال و «خیابث» حرام است و حلال و حرام بودن آنها مطابق با مصلحت و منافع واقعی بشر است. حال اگر کسی آنچه را که خدا حلال کرده بر خود حرام کند با این گمان که کار نیکویی انجام می‌دهد، از حدود شرع فرارفته است و در اسلام ترک دنیا و لذتهای مشروع آن، کار پسندیده‌ای نیست و رهبانیت و ترک دنیایی که مسیحیان داشته‌اند، از نظر اسلام ممنوع است.

قرآن کریم از رهبانیت یا همان ترک دنیا که در میان مسیحیان معمول بوده، انتقاد می‌کند و آن را یک بدعت می‌داند که مربوط به دین خدا نیست. بعضی از متدینان از مسیحیان گمان می‌کردند که با ترک دنیا و مظاهر آن و پرهیز از ازدواج و

بدین‌گونه قرآن رهبانیت و ترک دنیا را نه به عنوان یک ارزش، که به عنوان یک بدعت تلقی می‌کند و آن را از دین خدا نمی‌داند.

دوری از مردم و پناه بردن به دیرها و صومعه‌ها و اشتغال به عبادت، به خدا نزدیکتر می‌شوند و این کار که همان رهبانیت است، نزد خداوند مطلوب است و مقام دینی و معنوی و عرفانی آنها را بالا می‌برد. قرآن کریم خاطر نشان می‌سازد که هر چند آنها رهبانیت را برای جلب خوشنودی خدا از خود ساختند، ولی خدا آن را مقرر نکرده بود و این یک بدعت در دین بود. از آن گذشته آنها حتی آنچه را که خود ساخته بودند نیز به خوبی رعایت نکردند:

«..... و رهبانیه ابتدعوها ما کتبناها علیهم الا ابتغاء رضوان الله فما رعوها

حق رعایتها». حدید/۲۷

«..... و رهبانیتی را که خود ساختند و ما بر آنها مقرر نکردیم و جز برای خوشنودی

خدا این کار را نکردند، آن را آنچه‌تکه سزوار است، رعایت نکردند».

منظور این است که راهبان مسیحی که رهبانیت و ترک دنیا را از پیش خود ساختند در عمل، به دنیا پرستی و ثروت‌اندوزی روی آوردند. بنابراین در این آیه از مسیحیان دو

انتقاد می‌شود: یکی اینکه رهبانیت را خدا مقرر نکرده بود و آنها از پیش خود ساختند و دیگر اینکه حتی به رهبانیتی که خود ساختند، عمل نکردند و به دنیاپرستی مشغول شدند.

بدین‌گونه قرآن رهبانیت و ترک دنیا را نه به عنوان یک ارزش، که به عنوان یک بدعت تلقی می‌کند و آن را از دین خدا نمی‌داند.

همچنین در روایتهای ما «رهبانیت» که همان ترک دنیاست و «سیاحت» یعنی اینکه انسان زندگی و مسکن ثابتی نداشته باشد و همیشه در حال گردش باشد، نفی شده است:

«عن ابی عبد الله علیه السلام قال: ان الله اعطى محمد صلی الله علیه و آله شرایع نوح و ابراهیم و موسی و عیسی: التوحید و الاخلاص و نفی الانداد و الفطرة و الحنیفیه السمحة لارهبانیه و لاسیاحه احل فیها الطیبات و حرم فیها الخبائث»^(۱).

«امام صادق علیه السلام فرمود: بی‌تردید خداوند به محمد صلی الله علیه و آله شریعتهای نوح و ابراهیم و موسی و عیسی را داد که همان توحید و اخلاص و نفی بتها و همان فطرت و حنیفیت آسان است. نه رهبانیتی قرار داد و نه اینکه انسان همیشه در حال سفر باشد. خدا در این دین چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را حرام کرد.»

در بعضی از روایات هم اشاره شده که اگر رهبانیتی باشد جهاد، نماز، حج و سایر عبادات اسلامی است و نه ترک لذایذ دنیا:

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله: یا بن امّ عبد اتدیری مارهبانیه امتی؟ قلت: الله و رسوله اعلم. قال: الهجرة و الجهاد و الصلاة و الصوم و الحج و العمرة»^(۲).

«پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به یکی از یاران خود به نام ابن ام مکتوم فرمود: ای پسر عبد، آیا می‌دانی که رهبانیت امت من چیست؟ ابن ام مکتوم می‌گوید: گفتم: خدا و پیامبرش آگاه‌ترند. فرمود: هجرت و جهاد و نماز و روزه و حج و عمره.»

۱ - بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۱۷.

۲ - برقی، المحاسن، ص ۲۸۷ - بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۳۱۷.

بنا بر این، از نظر اسلام، انسان باید در میان مردم باشد و تشکیل خانواده بدهد و از لذایذ مشروع بهره‌جویی کند و اگر در بعضی از متون اسلامی، حب دنیا مذمت شده است، منظور از آن دنیازدگی است و اینکه انسان دنیا و لذتهای آن را هدف خود قرار بدهد و از معنویات غفلت کند و این خود گمراهی بزرگی است و انسان را به سوی آلودگیها و دوری از خدا می‌کشاند.

در بعضی از روایات برخی از برخوردارها و لذایذ دنیا از دلایل سعادت انسان شمرده شده است:

«قال رسول الله ﷺ: من سعادة المرء المسلم الزوجة الصالحة والمسكن الواسع والمركب البهي والولد الصالح»^(۱).
«پیامبر خدا ﷺ فرمود: از سعادت مرد مسلمان، داشتن همسر شایسته و مسکن وسیع و مرکب زیبا و فرزند صالح است».

همچنین روایاتی در تأیید استفاده از لباسهای زینتی وارد شده و در بعضی از آنها آمده که امامان معصوم، هنگام نماز، لباس فاخر می‌پوشیدند و گاهی هم مورد سؤال بعضی از کوتاه‌نظران و صوفیان قرار می‌گرفتند و ائمه پاسخهای لازم را می‌دادند:
«كان الحسن بن علي (ع) اذا قام الى الصلوة لبس اجود ثيابه فليل له في ذلك. فقال: ان الله جميل يحب الجمال»^(۲).

«امام حسن مجتبیٰ علیه السلام وقتی به نماز می‌ایستاد، بهترین لباس خود را می‌پوشید. در این باره از او سؤال شد، فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد».

اسلام به دنیا و مظاهر آن با خوشبینی می‌نگرد و انسان را به استفاده از لذایذ دنیا مانند تجمل و زینت، حتی در مساجد و در حال نماز و نیز خوردن و آشامیدن فرمان می‌دهد و از کسانی که زینتها و روزیهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، حرام

۲ - تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۱۴.

۱ - بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۵۵.

کرده‌اند، بازخواست می‌کند:

﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ اعراف/ ۳۱-۳۲

«ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید(و از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد.

بگو چه کسی زینتی را که خدا بر بندگانش پدید آورده و نیز روزیهای پاکیزه را حرام کرده است؟ بگو آن در این دنیا برای مؤمنان هم هست ولی در آخرت مخصوص آنهاست.»

در آیه بعدی از آیات مورد بحث، بر مطلبی که در آیه قبلی آمده بود، تأکید بیشتری می‌کند و دستور می‌دهد که از آنچه خداوند به شما روزی داد، حلال و پاکیزه بخورید و از نعمتهای خدا استفاده کنید. البته منظور از خوردن در اینجا هر نوع تصرف مشروعی است که انسان می‌تواند در اموال و متعلقات خود بنماید و چون خوردن استفاده غالب است، لذا این واژه به کار رفته است.

در پایان آیه، مؤمنان را به سوی تقوا می‌خواند و می‌فرماید: از همان خدایی که به او ایمان دارید، پروا کنید و تقوا داشته باشید. امر به تقوا در اینجا برای آن است که مسلمانان به خاطر دستوری که در این دو آیه آمده به دنیاپرستی و کامجویی خو نکنند و چنین نباشد که استفاده از لذتهای دنیوی آنان را از خدا غافل کند و برآستی هم چنین خطری وجود دارد. این است که پس از آن دستور، مردم را به سوی تقوا می‌خواند تا در کنار استفاده از لذتهای مشروع، بر ایمان و تقوای خود نیز بیفزایند.